

دارلدہ مجور ISC
۹۶۱۷-۱۲۸۰۲

بررسی مبانی تربیت اخلاقی در معراج السعاده ملا احمد نراقی

مهسا ترابی زیارتگاهی^۱

چکیده

موضوع اصلی این پژوهش بررسی مبانی تربیت اخلاقی از منظر ملا احمد نراقی (فاضل نراقی) است. وی اهمیت ویژه‌ای برای تربیت اخلاقی قائل بوده و از آن به عنوان طب روحانی یاد می‌کند. روش تحقیق به کار گرفته شده در این پژوهش روش کیفی از نوع تحلیلی توصیفی، مبتنی بر مطالعه کتابخانه‌ای است. به منظور جمع‌آوری اطلاعات در وهله‌ی نخست به کتاب معراج السعاده ملا احمد نراقی و سپس به کتاب‌ها و پژوهش‌هایی که در مورد تربیت اخلاقی بود مراجعه گردید؛ بدین معنا که ابتدا به شناسایی و گردآوری منابع مورد نیاز همراه با فیش‌برداری و ثبت موضوعات مورد نظر پرداخته شد؛ سپس داده‌ها طبقه‌بندی و در نهایت مورد تحلیل قرار گرفت. ناگفته پیداست که در این پژوهش، مجال نیست که به تمامی مبانی تربیت اخلاقی پرداخته شود زیرا مبانی تربیت اخلاقی بسیار گسترده و متکثر است؛ از این رو مبانی تربیت اخلاقی در سه عنوان هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی به اختصار بررسی می‌شود. دستاوردهای این پژوهش عبارت است از شناسایی مبانی هستی‌شناسی تربیت اخلاقی شامل: هستی محسوسات و نامحسوسات، مبدأمندی، فقر و نیاز وجودی، غایت‌مندی، نظام علت و معلول و مبانی معرفت‌شناسی تربیت اخلاقی شامل: خودشناسی، موانع شناخت آدمی و مبانی انسان‌شناسی تربیت اخلاقی شامل: ماهیت نفس، حقیقت وجود آدمی، فطرت الهی و اراده و اختیار.

واژگان کلیدی: اخلاق، تربیت اخلاقی، مبانی تربیت اخلاقی، ملا احمد نراقی



مقدمه

بشر متمدن امروزی با آن همه رشد صنعت و تکنولوژی، در بعد اخلاق و ملکات انسانی انحطاط یافته و در اثر انس و علاقه زیاد به مظاهر زندگی از یک سو و دوری از معنویت و اخلاق از سوی دیگر جایگاه و کرامت انسانی خود را از دست داده است. یکی از مسائل مهم، که تعلیم و تربیت معاصر با آن رو به روست، مسئله تربیت اخلاقی است. اهمیت تربیت اخلاقی در نظام‌های آموزشی و پرورشی، امری بدیهی و غیر قابل انکار است. اصولاً اخلاق و تربیت اخلاقی، یکی از ارکان اساسی فرهنگ بشری را تشکیل می‌دهد به همین دلیل، این موضوع از دیرباز در فرهنگ اسلامی مورد توجه بوده و امروزه نیز در بسیاری از کشورها مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. (داودی، ۱۳۸۵: ۱۵۴)

اخلاق زبان مشترک همه‌ی انسان‌ها با هر ایدئولوژی، فرهنگ و مذهب است از این رو به اسلام و جوامع اسلامی اختصاص ندارد. بخش عظیمی از تعالیم انسان‌ساز انبیاء را اخلاق تشکیل داده است تعلیم خلق و خوی شایسته که موجبات سعادت دنیوی و اخروی انسان‌ها را فراهم سازد، یکی از آموزه‌های اساسی ادیان الهی است. (پهلوان، ۱۳۸۴: ۷۲)

تربیت اخلاقی نقش بسیار مهمی در سعادت دنیوی و اخروی و خوشبختی فرد و جامعه دارد. تجربه نشان داده است که انسان، خواه دین‌دار یا غیرمتدین، هیچگاه بی‌نیاز از اخلاق و تربیت اخلاقی نبوده و نیست. (داودی، ۱۳۸۹: ۵/۳) اخلاق و تربیت اخلاقی شاهراه پیشگیری از آسیب‌های روانی اجتماعی و هم چنین، ریشه تمامی اصلاحات اجتماعی و وسیله مبارزه با مفاسد و ناهنجاری‌های جوامع است. از طرفی مسائل مهم و پیچیده‌ای که امروز نظام آموزشی - تربیتی جهان معاصر و به ویژه جوامع دینی و مذهبی با آن رو به رو هستند مسئله تربیت اخلاقی است. ابهامات و نارسایی‌های موجود در نظام کلان آموزشی می‌تواند به علت پیچیده بودن امر تربیت اخلاقی باشد؛ به عبارتی ناکارآمدی این حوزه می‌تواند ناشی از عدم انسجام و هماهنگی بین مبانی، اصول، اهداف و روش‌های تربیت اخلاقی باشد. (سجادی، ۱۳۷۹: ۴۹)

آراستگی به فضائل موجب تکامل نفس و تقرب الی‌الله و رسیدن به سعادت اخروی خواهد بود. در مقابل رذائل اخلاقی که با روح ملکوتی انسان سروکار دارند و داشتن آنها موجب انحطاط و شقاوت اخروی می‌شود. از طرفی پایبندی به اخلاق در سلامت و امنیت محیط و آسایش اجتماعی انسان‌ها بسیار مؤثر است. زندگی در جامعه‌ای که افراد آن به رعایت اخلاق و آداب اجتماعی پایبند باشند خوش، زیبا و لذت‌بخش است. برعکس زندگی در جامعه‌ای که مفاسد اخلاقی رواج دارد سخت و دردناک خواهد بود. (حاجی بابائیان امیری، ۱۳۹۰: ۲۴-۲۳) بنابراین اخلاق و تربیت اخلاقی نقشی بسیار مهم در سعادت دنیوی، اخروی و خوشبختی فرد و جامعه دارد. به عبارتی سعادت فردی و اجتماعی انسان در گرو تربیت اخلاقی، تهذیب نفس و زدودن آن از رذائل اخلاقی است.

موضوع اخلاق از مباحثی است که در اسلام و از منظر علما، فلاسفه و متکلمان بسیاری مورد توجه واقع شده است، یکی از مهم‌ترین اهداف بعثت پیامبران و به ویژه پیامبر اکرم (ص) نیز تهذیب و تزکیه نفوس بوده است. در قرآن نیز مکرر به هدف از ارسال رسل و بعثت نبی اکرم (ص) اشاره شده است «یزکیهم و یعلمهم الكتاب و الحکمه» (جمعه: ۳)

دانشمندان مسلمان نیز در کتب اخلاقی به طرح مباحث اخلاقی پرداخته‌اند و آثار گرانبهایی از خود به یادگار گذاشته‌اند. در این میان می‌توان از بزرگانی چون سقراط، فلاطون، ارسطو و در دنیای اسلام از ابن مسکویه، خواجه نصیر طوسی، غزالی، ملا محسن فیض کاشانی، ملا مهدی و ملا احمد نراقی یاد کرد که آثار گرانبه‌ای آنان در اخلاق توجه اهل تحقیق را به خود معطوف داشته است.

از میان این گنجینه‌های فاخر یکی از آثار اثرگذار در جامعه اسلامی ایران، کتاب معراج السعاده ملا احمد نراقی (فاضل نراقی) می‌باشد. به دلیل اهمیت و ضرورتی که بدان اشاره رفت در این مقاله برآنیم تا گذری هرچند کوتاه بر این مهم داشته باشیم.

پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر تربیت اخلاقی به عنوان یک موضوع مستقل در آمده و کتاب‌ها و مقالات متعددی با رویکرد های گوناگون در این خصوص نگاشته شده است. در میان پژوهشگران داخلی نیز تحقیقاتی صورت گرفته است لیکن به تعدادی از آنها اشاره خواهد شد.



برخی پژوهش‌های داخلی در راستای این پژوهش عبارت است از: نتایج پژوهش کریمی (۱۳۸۹) با عنوان بررسی مبانی، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه ملا احمد نراقی نشان داد که نظام اخلاقی نراقی مبتنی بر شناخت نفس و اعتدال قوا است. وی در این پایان‌نامه ماهیت و حقیقت انسان، تعادل قوای نفس و قابلیت نفس در وصول به کمال حقیقی را از مبانی تربیت اخلاقی دانسته است. اصول تربیت اخلاقی را شامل شرافت و ارزشمندی انسان، ترتیب در اقتدا به سیر استكمال طبیعی طفل، غلبه قوه عاقله بر سایر قوا، محوریت شریعت، تقدم تشخیص بر سبب‌شناسی و درمان دانسته و برای تحقق این اصول، روش‌هایی مانند: اجتناب از مصاحبت با بدان و پرهیز از شنیدن حکایت آنان، احتراز از تحریک قوه شهویه و غضبیه، مجالست با صاحبان اوصاف حسنه و نیز روش عمل به ضد سرزنش و ملامت نفس، به عنوان روش‌های دفع و درمان ردائل شناسایی شده است.

پژوهش گلستانی (۱۳۸۱) با عنوان انسان‌شناسی از دیدگاه ملا احمد نراقی اذعان می‌کند که انسان‌شناسی نراقی مبتنی بر شناخت نفس و روح مجرد آدمی، قوای آن و چگونگی تسلط هر قوا بر سایر قواست؛ و حقیقت وجود آدمی را نفس دانسته است. عاشوری (۱۳۸۱) با عنوان نفس و انسان‌شناسی از دیدگاه فاضل نراقی اذعان می‌کند آدمی از دو بعد تن و روان ترکیب یافته است. تن همان جسم متعلق به آدمی، و شناختن آن آسان است ولی نفس با حرکت استکمالی خویش به خشنودی و درک لذت معنوی دست می‌یابد و معرفت نفس را مقدمه خداشناسی و خودسازی و تهذیب نفس می‌داند. از جمله کتاب‌هایی که در زمینه تربیت اخلاقی نگارش یافته مجموعه چهار جلدی آرای اندیشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن از محمد بهشتی و همکاران است که مسیر تاریخی اندیشه‌های تربیتی متفکران اسلامی را ترسیم می‌نماید.

سیری اجمالی بر زندگی و آثار ملا احمد نراقی

ملا احمد فرزند ملا مهدی، مشهور به فاضل نراقی چهاردهم جمادی‌الآخر ۱۱۸۵ قمری مطابق ۱۱۵۰ شمسی و ۱۷۷۱ میلادی در عصر کریم خان زند در نراق از روستاهای تابعه کاشان متولد شد. (حکیم، ۱۳۸۱: ۱۲) دروس مقدمات و صرف و نحو را در کاشان نزد پدر تحصیل نمود سپس فقه، فلسفه، کلام و اصول حکمت را نزد پدرش محقق نراقی آموزش دید او محضر عالمانی بزرگی چون علامه سید محمد مهدی بحر العلوم و علامه وحید بهبهانی و سیدعلی طباطبایی خواهرزاده محقق اردبیلی را درک نمودند. سپس برای تکمیل دروس دوره عالی وارد حوزه علمیه نجف شدند. (همان: ۲۱) از نراقی آثار گرانسنگ بسیاری در زمینه اصول، فقه و قواعد فقهی، اخلاق و عقاید، شعر و ادب فارسی، علوم غریبه و ریاضیات و متفرقات برجای مانده است. مهم‌ترین کتاب او که می‌توان آن را در امر تعلیم و تربیت مورد توجه قرار داد، کتاب معراج‌السعاده، تلخیص و ترجمه فارسی کتاب جامع‌السعادات پدرش، می‌باشد. (بهشتی و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۰۲)

معراج‌السعاده در بین کتب اخلاقی و تربیتی نامی آشنا دارد که سالیان درازی است که در حوزه‌های علمیه و دیگر محافل علمی- مذهبی تدریس و مورد استقبال دانش‌دوستان و تربیت‌یافتگان این مکتب قرار گرفته است. معراج‌السعاده در واقع ترجمه فارسی جامع‌السعادات مرحوم ملا مهدی نراقی است که به درخواست فتحعلی شاه قاجار انجام گرفته است. البته اصلاحات و زیادت‌هایی نیز بر آن افزوده شده و در سال ۱۲۶۶ به رشته نگارش در آمده است. (حکیم، ۱۳۸۱: ۳۱) معراج‌السعاده از یک نفس پاک شروع می‌شود و در یک نزاع و سیر و سلوک، تلاش دارد تا ضمن دفع ردائل و پلیدی‌ها و کسب فضائل و کرامات انسانی، به همان نفس پاک برگردد و این با تربیت اخلاقی امکان‌پذیر است. (جلالی، ۱۳۸۱: ۲۵)

در نهایت ملا احمد نراقی فقیه بزرگ اسلامی که بیشتر عمر با برکت خویش را به تحقیق و نگارش در موضوعات گوناگون فقه، اصول، رجال و اخلاق و عقاید پرداخت سرانجام بر اثر بیماری وبا در سوم ربیع الثانی ۱۲۴۵ قمری مطابق با ۱۲۰۸ شمسی و ۱۸۲۹ میلادی، در دیار کاشان دیده از جهان فروبست. (حکیم، ۱۳۸۱: ۴۳)

روش پژوهش

با توجه به ماهیت و کیفیت این پژوهش، روش پژوهش، توصیفی- تحلیلی (تحلیل اسنادی) است. در این پژوهش سعی شده است از منابع دست اول (معراج‌السعاده) و منابع دست دوم شامل کتابهای معتبر، پژوهش‌های مرتبط با موضوع تحقیق و نشریات استفاده شود و از راه فیش‌برداری و یادداشت، ابتدا داده‌های لازم گردآوری می‌شود و در مرحله بعد، ضمن مطالعه مستمر همه‌ی داده‌ها به طور مجزا مقوله‌بندی شده و در پی آن مقوله‌های مورد مطالعه کدگذاری، دسته‌بندی پس از آن داده‌ها مورد تفسیر قرار گرفتند.



ابزار گردآوری داده ها

در این پژوهش برای گردآوری داده‌ها از روش سندکاوی استفاده شده است. بر این اساس، کلیه کتاب‌ها، مدارک، اسناد، پایگاه‌ها، مقاله‌ها و پژوهش‌های در دسترس پژوهشگر که به بررسی این مفاهیم پرداخته‌اند، مورد مطالعه قرار گرفته و از آنها فیش برداری شده است.

طرح مسئله

یکی از مهم‌ترین اهداف بعثت پیامبران مسئله اخلاق است، زیرا اعتلا و سعادت انسان‌ها در گرو پایبندی و تخلق به اخلاق الهی است و این امر در سایه تربیت اخلاقی میسر خواهد شد. در صورت نبودن تربیت اخلاقی انسان‌ها با داشتن استعداد و توانایی شگفت‌انگیز در ارتکاب رفتارهایی که دون شان او هستند گوی سبقت را از دیگر موجودات خواهند بود. (حاجی بابائیان امیری، ۱۳۹۰: ۱۱)

در جهان اسلام از صدر تاکنون اندیشمندان برجسته‌ای درباره تربیت اخلاقی بحث کرده و آثار گرانبهایی از خود به یادگار گذاشته‌اند از آنجایی که نمی‌توان همه‌ی آثار را بررسی نمود در این پژوهش مبانی تربیت اخلاقی از منظر نراقی در کتاب معراج‌السعادة اکتفا می‌شود. اما پیش از پرداختن به مبانی تربیت اخلاقی باید مقصود خود را از مبانی، تربیت، اخلاق و تربیت اخلاقی به طور جداگانه مشخص نمود و آنگاه با در دست داشتن این مقدمات به بیان مبانی تربیت اخلاقی از منظر نراقی پرداخت.

خاستگاه و مفهوم مبانی تربیت اخلاقی

پیش از تبیین مفهوم «مبانی تربیت اخلاقی» بایسته است ابتدا مؤلفه‌های مفهومی این اصطلاح ترکیبی، تعریف شود. در این راستا، دو مؤلفه «تربیت» و «اخلاق» و یک مؤلفه ترکیبی «تربیت اخلاقی» تعریف می‌شود و در نهایت، مبانی تربیت اخلاقی از منظر ایشان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در مورد واژه تربیت، تعاریف گوناگونی در کتب تربیتی ارائه گردیده است، ولی پژوهشگران و صاحب‌نظران تعلیم و تربیت، بر تعریف واحدی از آن به توافق نرسیده‌اند؛ بلکه هر کدام با توجه به مکتب تربیتی که به آن تعلق دارند و بر اساس دیدگاه و بینش خود، تعریفی از آن ارائه نموده‌اند. (بناری، ۱۳۷۹: ۱۶۹)

تربیت واژه‌ای عربی است که در فارسی به پروردن، پروراندن و آموختن و مانند اینها معنا شده است. (دهخدا، ۱۳۸۵: ۷۲۰/۱) این واژه اگر از ربو باشد معنای رشد، بالا بودن در آن نهفته است. و اگر از ربب باشد، معنای ایجاد تدریجی یک چیز و به کمال رسانیدن آن، و تأدیب را می‌رساند. در هر حال واژه تربیت معنای رشد، نمو، تدریجی بودن و شکوفا ساختن نهفته است. (فیروز مهر، ۱۳۹۳: ۱۹)

با نگاهی به اصل واژه‌ی تربیت از ربو است. تربیت در خاستگاه اصلی خود به معنای تغذیه، رشد و نمو بوده و بیشتر به جنبه مادی توجه می‌شده است؛ یعنی پرورش دادن و به فعلیت رساندن استعدادهای درونی که بالقوه در یک شی موجود است. معنای اصطلاحی تربیت عبارت است از پرورش دادن یعنی استعدادهای درونی که بالقوه در یک شی موجود است را به فعلیت رساندن. (مطهری، ۱۳۷۳: ۶۳)

اختلاف نظرها در تعریف اخلاق که اخلاق چیست، تا اندازه‌ای از جهان‌بینی‌های مختلف سرچشمه می‌گیرد.

اخلاق جمع خُلق است به معنای خوی، طبع و به معنای نیروی درونی انسان می‌باشد که با چشم باطنی درک می‌شود. (دهخدا، ۱۳۸۵: ۱۰۴/۱) خُلق صفت نفسانی راسخ و استوار است که افعال متناسب با آن بی‌درنگ صورت می‌گیرند و این صفت راسخ درونی اگر متناسب با خود ملکوتی باشند، فضیلت و اگر متناسب با خود حیوانی باشند، ردیلت نامیده می‌شوند. (نراقی، ۱۳۸۸: ۲۲)

رایج‌ترین کاربرد اخلاق در مورد ویژگی‌های راسخ نفسانی است که سبب صدور افعال متناسب به صورت خودکار و بدون فکر و تامل می‌شود. در کتب اخلاقی معمولاً واژه‌ی اخلاق یا خلق بدین معنا تعریف شده است. (فیروزمهر، ۱۳۹۳: ۴۴؛ به نقل از: جامع‌السعادات، ۵۵/۱)

با ادغام و تلفیق دو تعریفی که از «تربیت» و «اخلاق» ارائه گردید می‌توان تربیت اخلاقی را اینگونه تعریف نمود:

تربیت اخلاقی فرایند زمینه‌سازی و به کارگیری شیوه‌هایی جهت شکوفاسازی، تقویت و ایجاد صفات، رفتارها و آداب اخلاقی و اصلاح و از بین بردن صفات، رفتارها و آداب غیراخلاقی در خود انسان یا دیگری است. (بناری، ۱۳۷۹: ۱۷۸) حیطة‌ای است که وظیفه‌ی آن متخلق کردن افراد به فضائل، رفتارها و آداب اخلاقی و زدودن ردائیل اخلاقی است و این حیطة برای تحقق بخشیدن به هدف خود، به دو حوزه اخلاق و تربیت نیازمند است. (همان، ۱۸۷)

در بحث مفهوم شناسی تربیت اخلاقی، دو رکن مهم اخلاق و تربیت مورد بررسی قرار می‌گیرد. از این رو تربیت اخلاقی وامدار دو حوزه تربیت و اخلاق است؛ به این معنا که در رکن اول، از اخلاق و در رکن دوم از تربیت استعانت می‌جوید. از آن جایی که در اخلاق بیش‌ترین تأکید بر خودسازی و در تربیت بر دیگر سازی است، تربیت اخلاقی بر خودسازی و دیگرسازی تأکید می‌کند. (بناری، ۱۳۹۰: ۵۴۲) تربیت اخلاقی؛ در واقع ایجاد تحول و تغییری است که ابعاد فکری، احساسی و رفتاری فرد را در بر می‌گیرد. به نوعی که توانایی تمییز امور خوب از زشت را داشته باشد و بتواند آنها را در جای مناسب به کار بندد. (حاجی بابائیان امیری، ۱۳۹۰: ۲۲)



با توجه به آنچه تاکنون بیان شد، تفاوت اخلاق و تربیت اخلاقی روشن گردید. علم اخلاق، افعال و ملکات را بررسی می‌کند و درباره حسن و قبح آنها داوری می‌کند، اما تربیت اخلاقی بر به کارگیری دانش تعلیم و تربیت در جهت ایجاد نگرش و رفتار اخلاقی افراد ایفای نقش می‌کند. وقتی دانش تعلیم و تربیت بدین منظور خاص به کار گرفته شود، تربیت اخلاقی متولد می‌شود. (فتحعلی خانی، ۱۳۷۹: ۹۶)

تربیت اخلاقی، که با تعبیری چون تزکیه، حکمت‌دینی در متون اسلامی از آن یاد شده است، یکی از برجسته ترین جلوه‌های نظام تربیتی نراقی است که خود برگرفته از قرآن کریم است. (احمدآبادی‌آرانی و دیگران، ۱۳۹۲: ۹۷) او در این باره به این نکته تاکید دارد:

«کسانی که عمر خود را صرف تحصیل علم از طریق مجادلات کلامی و استدلالات فکری نموده‌اند و از تزکیه نفس از صفات ذمیمه غافل مانده‌اند بلکه دل‌های ایشان متعلق به قاذورات دنیای دنییه و نفوس ایشان منقاد قوه غضبیه و شهویه است از حقیقت علم، بی‌خبر و سعی ایشان بی‌ثمر است و آنچه را تحصیل کرده‌اند و علم پندارند بر خلاف واقع است؛ زیرا که علم حقیقی را بهجت و سرور و صفا و نوری است و دلی را که نور علم واقعی در آن داخل شد، مستغرق لجه عظمت خداوند جلیل و محو مشاهده جمال جمیل می‌شود و التفات به غیر او نمی‌کند و نه همین است که صفات خبیثه و اخلاق رذیله، مانع از طلوع انوار علوم حقیقیه از مطلع فیوضات الهیه باشد و بس؛ بلکه بدون تزکیه نفس و تصفیه قلب، عبادات ظاهری را اثری و طاعات بدنی را ثمری نیست و چه فایده مترتب می‌شود بر آراستن ظاهر و کاستن باطن» (نراقی، ۱۳۸۹: ۲۱)

از منظر نراقی دستیابی به سعادت مطلق در گرو اصلاح دائمی صفات و تعادل میان قواست. و بیان کرده انسان در سایه اعتدال در تمام جوانب وجودی به سعادت دست می‌یابد.

مبانی جمع مینا و در لغت بنیاد و شالوده، بنیان و اساس است. (دهخدا، ۱۳۸۵: ۲۵۷۳/۲) بر این اساس می‌توان مبانی تربیت اخلاقی را اینگونه تعریف نمود؛ گزاره‌های توصیفی که جهت‌گیری کلی تربیت اخلاقی را مشخص کرده و در تعیین اصول و روش‌های تربیت اخلاقی ایفای نقش می‌کند. (داودی، ۱۳۸۹: ۷۷)

مبانی تربیت اخلاقی نراقی

در نظام تربیتی اسلام، غایاتی برای تربیت آدمی مطرح است ملا احمد نراقی رسیدن به خیر و سعادت مطلق را غایت تربیت آدمی می‌داند. (نراقی، ۱۳۸۹: ۶۲) از راه‌های رسیدن به خیر و سعادت تربیت اخلاقی است از طرفی پرداختن به تربیت اخلاقی و تحقق این مهم، بدون بررسی مبانی و زیرساخت‌های اخلاقی بی‌معناست. با عنایت به این مسئله به بیان برخی از مهم‌ترین مبانی تربیت اخلاقی در معراج‌السعاده می‌پردازیم.

در این نوشتار مبانی تربیت اخلاقی، به سه دسته کلی «مبانی هستی‌شناسی»، «مبانی معرفت‌شناسی» و «مبانی انسان‌شناسی» تقسیم می‌شود و هر دسته مشتمل بر مجموعه‌ای است که در این جستار به همگی آنها پرداخته نمی‌شود و تنها به بیان مواردی که نراقی بر آنها تاکید فراوان داشته است، بسنده می‌شود:

۱. مبانی هستی‌شناسی تربیت اخلاقی

۱.۱. هستی محسوسات و نامحسوسات

موجوداتی که از کتم عدم به فضای وجود آمده‌اند به دو وجه قسم پذیرند یکی آنچه دیده نمی‌شود و به حس در نمی‌آید و آن را عالم ملکوت گویند مانند: عالم عقول، نفوس مجرد، ملائکه، جن و شیطان. و دیگری آنچه با حواس پنجگانه ادراک می‌شود که خود سه قسم است: ابتدا عالم افلاک که شامل سیارات و گردش آنها و پیدایش لیل و نهار و فصول مختلف است و در مرتبه دوم عالم خاک که پستی و بلندی‌ها، کوه‌ها، اشجار، نباتات و حیوانات و جمادات را شامل می‌شود و سوم عالم هواست با آنچه در آن مشاهده می‌شود از رعد و برق، برف و باران و صاعقه و امثال اینها. (همان: ۱۱۴-۱۱۳) از این کلام چنین می‌شود که عالم محصور در طبیعت و محسوسات نیست، موجودات فرامادی



و به تعبیر فلسفی مجردات نیز وجود دارند که آدمی با حواس پنجگانه قادر به ادراک آنها نیست. اگر آدمی بداند که روح او نیز از مجردات است و متعلق به عالم معناست خود را در حوض بی‌اخلاقی‌ها گرفتار نمی‌سازد.

۱.۲. مبدأمندی

غیر از خدا احدی منشأ هیچ اثری نیست، مبدأ هر موجودی و منشأ هر فعلی، از خلق، رزق و عطا، صحت و عزت حق سبحانه و تعالی است. از عالم خاک تا عالم ملکوت، همگی مقهور امر پادشاه بی‌شریک، و در قبضه قدرت او مسخرند. (همان: ۹۲-۹۳)

دستاوردی که توجه به این مبنا در مسیر تحقق تربیت اخلاقی می‌تواند داشته باشد این است که مانع شکل‌گیری روحیه طغیان و سرکشی در برابر امر پروردگار می‌گردد و آدمی با اعتقاد به این مسئله اخلاقی‌تر زندگی می‌کند.

۱.۳. فقر و نیاز وجودی

واجب‌الوجود که اظہر همه‌ی اشیاء و سبب وضوح کل است اگر از برای او نیستی یا پنهان‌شدنی می‌بود هر آینه آسمان و زمین خراب و ویران می‌گشت و ملک و ملکوت یکسره از هم می‌پاشید. (همان: ۶۲۹) بدان که آدمی ممکن‌بیش نیست، و ممکن به خودی خود عدم محض است؛ وجود، کمال، آثار و افعال او همه از واجب‌الوجود است. (همان: ۲۲۲)

۱.۴. غایت‌مندی

آفرینش جهان هستی، غایت‌مند و خداوند غایت همه‌ی موجودات است. آدمی بعد از آنکه حقیقت خود را شناخت و دانست که حقیقت او جوهری است از عالم ملکوت به این فکر می‌افتد که چنین جوهر شریفی را عبث و بیهوده در صندوقچه بدن آدمی ننهاده‌اند. (همان: ۱۱)

۱.۵. نظام علت و معلول

نراقی امور بندگان را به دو قسم می‌داند اول آنکه اموری که از قدرت و وسع ایشان بیرون است و دوم اموری که از دایره قدرت آنها بیرون نیست و به این معنا که برای آن امور، اسبابی هست که بنده با بهره‌گیری و تحصیل آن اسباب قادر به وصول یا دفع امور از خود است. آدمی باید سعی کند اعتماد او به سعی خود و اسباب و وسایط نباشد بلکه وثوق و اطمینان او به خدا باشد. (نراقی، ۱۳۸۹: ۶۶۷-۶۶۶)

۲. مبانی معرفت‌شناسی تربیت اخلاقی

مبانی معرفت‌شناسی نقش بسزایی در اندیشه‌های مختلف، از جمله اندیشه‌های اخلاقی نراقی دارد؛ به همین جهت در این مجال به بررسی مبانی معرفت‌شناسی تربیت اخلاقی می‌پردازیم.

۲.۱. خود‌شناسی

به تعبیر نراقی کلید سعادت دو جهان، شناخت نفس خویش است، زیرا شناخت نفس به عنوان مقدمه شناخت خدا مطرح شده است به تحقیق هر کس بتواند خود را بشناسد قادر به شناخت پروردگار خویش است. از طرفی شناخت خود باعث می‌شود فرد به تحصیل کمالات و تهذیب اخلاق علاقه‌مند گردد و در دفع رذایل مجاهدت نماید. همچنین شناخت خود سبب می‌شود فرد به اصلی‌ترین قوای خود، یعنی عقل، شهوت، غضب و وهم پی‌ببرد و بداند آنچه از لذت و آلم برای ایجاد می‌شود به یکی یا هر سه قوا باز می‌گردد هرگاه قوه‌ی عاقله بر سایر قوا استیلا یابد تربیت صحیح اخلاقی محقق می‌گردد. (همان: ۱۱)

۲.۲. موانع شناخت آدمی

محقق نراقی علم اخلاق را شبیه علم طب می‌داند و از آن به عنوان طب روحانی یاد می‌کند، از انحرافات و رذایل اخلاقی به عنوان امراض روحانی یاد می‌کند. (همان: ۴۸) فاضل نراقی به دلیل نقش اساسی مانع‌زدایی در فراهم آوردن زمینه تربیت صحیح اخلاقی، بیش از نیمی از مباحث خود را به تخلیه و علاج نفس از مشکلات رفتاری اختصاص می‌دهد و ضمن بیان عوارض خطرناک این رفتارها، راه‌های زدودن هر یک از آنها را به طور شایسته بیان می‌کند. پرداختن به همه‌ی آنچه نراقی در این زمینه مطرح کرده، در این مختصر نمی‌گنجد و تنها به گذری اجمالی از این موانع اکتفا می‌شود. موانع رفتاری که محقق نراقی بیان می‌کند به دو دسته رفتارهای درونی و بیرونی قسم‌پذیر است. منظور از رفتارهای درونی، افعال نفس است که از آنها به صفات نفس نیز تعبیر می‌گردد. مانند خشمگینی و خودپسندی که رفتارهای جوانجی نفس هستند. اما رفتارهای بیرونی گرچه فعل نفس می‌باشند، از طریق جوارح و صادر می‌شوند. مانند استهزاء و غیبت و ... (فقیهی، ۱۳۷۹: ۱۴۲)

نراقی علل انحرافات اخلاقی یا بیماری‌های روانی را به سه دسته تقسیم می‌کند:

۱. علل روانی: این علل از ابتدای آفرینش نفس به صورت فطری و طبیعی در فرد وجود دارد؛ مانند کم‌هوشی و ضعف شهوت.



۲. علل جسمانی و بدنی: برخی بیماری‌های جسمی سبب ایجاد صفات بد اخلاقی در فرد می‌شود مانند کج خلقی، پرخاشگری؛ به علت ارتباط تنگناک نفس و بدن با یکدیگر این امر محقق می‌گردد.

۳. علل خارجی و محیطی: به علت عوامل محیطی همچون اجتماع صفات اخلاقی ناشایست در فرد به وجود می‌آید؛ مانند تاثیر هم‌نشینیان و دوستان بد یا نوع تربیت والدین رذایل اخلاقی در فرد شکل می‌گیرد. (بهشتی و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۲۳-۲۲۲)

۳. مبانی انسان‌شناسی تربیت اخلاقی

نراقی انسان را به عنوان نقطه مرکزی در تربیت اخلاقی می‌داند از این رو در تبیین مبانی تربیت اخلاقی نراقی، ساختار انسان و ویژگی‌هایی که او را از سایر موجودات متمایز ساخته و نیز قوا و استعدادهای گوناگون او را بررسی می‌نماییم؛ آنگاه در پرتو این موارد مبانی انسان‌شناسی تربیت اخلاقی را تبیین می‌نماییم.

۳.۱. ماهیت نفس

۳.۱.۱. قوای انسان: فاضل نراقی انسان را به منزله موجودی مرکب از نفس و تن می‌داند، که این بدن ظاهر (تن) مرکب از عناصر چهارگانه «خاک، آب، باد و آتش است» و با چشم ظاهر می‌توان آن را دید. و نفس که از آن به روح، جان، عقل و دل نیز تعبیر می‌گردد را جوهری مجرد از عالم ملکوت می‌داند.

«هرکسی را از دو چیز آفریده‌اند یکی این بدن ظاهر، که آن را تن گویند، و مرکب است از گوشت و پوست و استخوان و رگ و پی و غیر اینها. و آن از جنس مخلوقات همین عالم محسوس است، که عالم جسمانیات است. و آن اصل مرکب است از عناصر چهارگانه است که «خاک، آب، باد و آتش» و آن را به همین چشم ظاهری، می‌توان دید و یکی دیگر «نفس» که آن را روح و جان و عقل و دل نیز گویند، و آن جوهری است «مجرد» از عالم ملکوت، و گوهری است بس عزیز از جنس فرشتگان و «عقول قدسیه»، و دری است بس گرانباه از سنخ مجردات». (نراقی، ۱۳۸۹: ۱۹)

وی معتقد است از بین این دو اصالت با روح مجرد است. فاضل نراقی تجرد و بقای روح را مبنای انسان‌شناسی تربیت اخلاقی ذکر می‌کند. (نراقی، ۱۳۸۹: ۱۳)

نراقی به چهار گرایش بنیادین و اصلی و به تعبیر دیگر چهار نیروی غریزی و فطری در وجود آدمی اذعان می‌کند؛ یکی گرایش بهیمی (قوه شهویه)، گرایش سبعی (قوه غضبیه)، گرایش شیطانی (قوه وهمیه) و گرایش ربانی (قوه عاقله). (همان: ۲۹-۲۷) در تربیت اخلاقی تلاش می‌شود راه‌هایی برای ایجاد تعادل میان قوا و گرایش‌های مختلف انسان ارائه شود. آنگاه انسان در سایه اعتدال در تمام جوانب وجودی می‌تواند به سعادت حقیقی به عنوان هدف غایی تربیت اخلاقی نائل آید. علمای اخلاق همچون فاضل نراقی معتقدند زمانی این وضعیت پدید می‌آید که قوه عاقله بر سایر قوا استیلا یابد و عنان سایر قوا را بر دست گیرد.

۳.۱.۲. ماهیت و تعداد فضایل و رذایل: از تهذیب و پاک‌ی هر چهار قوه‌ی مذکور فضائل و اخلاق حسنه حاصل می‌شود. افراط و تفریط از هر یک از این قوا رذایل اخلاقی شکل می‌گیرد به این ترتیب در برابر هر یک از فضایل اخلاقی دو رذیلت در جانب افراط و تفریط وجود دارد. (نراقی، ۱۳۸۹: ۴۰) در تربیت اخلاقی باید مراقب بود هر یک از قوا در حد تعادل باشند که سراز افراط و تفریط در نیاورند و گرایش ربانی (قوه عاقله) را متأثر کنند.

۳.۲. حقیقت وجود آدمی: فاضل نراقی بیان داشته هر زمان نفس یا بدن مورد بحث قرارگیرد، چیزی جز نفس مراد نیست و حقیقت انسان و آدمی را همین بعد روحانی می‌داند. (همان: ۱۳) اعمال گوناگون صادر شده از نفس و روح مجرد است که اگر به تعالی روی آورد، می‌تواند از ملائک برتر گردد و اگر به طبیعت و هواهای نفسانی روی کند، به پست‌ترین درجه سقوط می‌افتد. (گلستانی، ۱۳۸۱: ۱۴۲)

۳.۳. فطرت الهی: به تعبیر فاضل نراقی انسان دارای فطرت الهی است، به این علت زمانی که نفس انسانی از کدورات عالم طبیعت پاک و مصفا گردد و از قید شهوات و علایق فارغ گردد شوق تام به همجنسان خود از عالم قدس در او پیدا می‌شود. (نراقی، ۱۳۸۹: ۶۰۹)

۳.۴. اراده و اختیار: فاضل نراقی بیان کرده انسان، هم مختار است و هم مجبور، اختیار در انجام تکالیف و خیرات و شرور، و اجبار او در غیر اینها از حیات، ممت، عزت، ذلت، صحت و بیماری و امثال اینهاست؛ آدمی را میان اختیار مطلق و بی‌اختیاری محض دانسته اختیاری که از بی‌اختیاری بالاتر است ولی از اختیار مطلق فروتر. (همان: ۹۴) به عبارتی انسان را در انجام دادن اعمال گوناگون آزاد دانسته است وی



جبرهای اجتماعی را نفی کرده است. و تنها از جبر ساختاری بدن و مزاج دفاع کرده است و تاثیر عوامل ارثی و ژنتیکی را بر پاره‌ای از صور و رفتار به رسمیت شناخته است. (گلستانی، ۱۳۸۱: ۱۴۳)

بحث و نتیجه‌گیری

آنچه در این مقاله، به اختصار و در عین حال با نقصان، از معراج‌السعاده نراقی در زمینه مبانی تربیت اخلاقی ارائه گردید، فقط بخش کوچکی از مجموعه گسترده مبانی تربیت اخلاقی آن عالم وارسته است. مبانی تربیت اخلاقی در معراج‌السعاده مبتنی بر نگرش از هستی و انسان و مبانی معرفت‌شناسی است. از این رو در این مقاله، نخست مبانی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی تربیت اخلاقی سپس بر اساس آنها مبانی تربیت اخلاقی مطرح گردید. پس از تبیین و تعریف مولفه‌های اصطلاح ترکیبی مبانی تربیت اخلاقی این تعریف عرضه شد: «تربیت اخلاقی؛ در واقع ایجاد تحول و تغییری است که ابعاد فکری، احساسی و رفتاری فرد را در بر می‌گیرد. به نوعی که توانایی تمییز امور خوب از زشت را داشته باشد و بتواند آنها را در جای مناسب به کار بندد». آنچه سبب می‌شود انسان غایت تربیت که چیزی جز سعادت نیست را میسر سازد و استعدادهای بالقوه خود را به فعلیت برساند در سایه تربیت اخلاقی محقق می‌گردد.

با عنایت به مطالب ذکر شده نتایج این پژوهش دلالت دارد، تربیت اخلاقی، که با تعابیری چون تزکیه، حکمت دینی در متون اسلامی از آن یاد شده است، یکی از برجسته‌ترین جلوه‌های نظام تربیتی نراقی است که خود برگرفته از قرآن کریم است؛ تربیت اخلاقی اهمیت ویژه‌ای در نظام اخلاقی وی دارد. فاضل نراقی در این راستا مبانی را مطرح می‌کند؛ از منظر نراقی هستی منحصر به عالم محسوسات نیست موجوداتی که از کتم عدم به فضای وجود آمده‌اند به دو وجه قسم پذیرند یکی آنچه با حواس پنجگانه ادراک نمی‌شود و دیگری آنچه به حس در می‌آید. از دید نراقی انسان موجودی آزاد و مختار است که می‌تواند در وضعیت حاکم در زندگی خود تغییر ایجاد کند و در عین حال، به دلیل برخوردار بودن از آزادی، در برابر اعمال و فعالیت خود مسئول است البته آزادی مورد اعتقاد نراقی آزادی عنان گسیخته نیست. و براین نکته تاکید دارد که انسان بایستی خود را بشناسد و موقعیت خود و سایر آفریدگان را در جهان هستی تشخیص دهد. زمانی که انسان خود را بشناسد احساس شرافت، کمال و تعالی می‌کند؛ به خدای خود پی می‌برد و مقدسات اجتماعی و اخلاقی برایش معنا و ارزش می‌یابد.



کتابنامه :

- قرآن کریم .
- احمد آبادی آرانی، نجمه؛ فرمهینی، محسن؛ رهنما، اکبر، تبیین آرای تربیتی ملا احمد نراقی، فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال بیست و یک: شماره ۱۸، بهار ۱۳۹۲، ۱۱۱-۹۳.
- بناری، علی همت، تربیت اخلاقی و ضرورت نگاهی دوباره به آن، نشریه تربیت اسلامی (ویژه تربیت اخلاقی)، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۹، ۱۹۲-۱۶۶.
- بناری، علی همت، بررسی اولویت‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه امام علی (ع) در نهج البلاغه، فصلنامه پژوهش‌های تربیت اسلامی (ویژه تربیت اخلاقی)، سال چهارم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۰، ۵۶۷-۵۴۰.
- بهشتی، محمد؛ فقیهی، علی نقی؛ ابوجعفری، مهدی، ۱۳۸۸، آرای اندیشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، چاپ چهارم، ج ۲، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- پهلوان، منصور، مبانی اخلاقی در صحیفه سجادیه، نشریه سفینه، سال هشتم، شماره ۸، پائیز ۱۳۸۴، ۹۳-۷۲.
- حاجی بابائیان امیری، محسن، ۱۳۸۸، روش‌های تربیت اخلاق کاربردی در اسلام (با تاکید بر دوره نوجوانی و جوانی)، چاپ دوم تهران، سروش (انتشارات صدا و سیما).
- حکیم، حسین، سیر زندگی فقهی فرهنگی ملا احمد نراقی، بصیرت دانشگاه آزاد، سال دهم، شماره ۲۷، ۱۳۸۱، ۴۴-۱۲.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۸۵، فرهنگ متوسط دهخدا، چاپ پنجم، ج ۱، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۸۵، فرهنگ متوسط دهخدا، چاپ پنجم، ج ۲، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- داودی، محمد، رویکردها و پرسش‌های بنیادین در تربیت اخلاقی، فصلنامه علمی پژوهشی انجمن معارف اسلامی ایران، سال دوم، شماره دوم، بهار ۱۳۸۵، ۱۷۵-۱۵۳.
- داودی، محمد، ۱۳۸۹، سیره تربیت پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) چاپ سوم، ج ۳، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- فتحعلی خانی، محمد، رابطه دین و تربیت اخلاقی، نشریه تربیت اسلامی (ویژه تربیت اخلاقی)، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۹، ۱۰۵-۹۲.
- فقیهی، علی نقی، شیوه اصلاح مشکلات رفتاری در تربیت اخلاقی از دیدگاه ملا مهدی نراقی، نشریه تربیت اسلامی (ویژه تربیت اخلاقی)، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۹، ۱۶۴-۱۴۰.
- فیروز مهر، محمدمهدی، ۱۳۹۳، تربیت اخلاقی با نگاه قرآنی، چاپ اول، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- گلستانی، هاشم، انسان‌شناسی از دیدگاه نراقی، بصیرت دانشگاه آزاد، سال دهم، شماره ۲۷، ۱۳۸۱، ۱۴۵-۱۲۹.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۳، تعلیم و تربیت در اسلام، چاپ بیست و سوم، تهران، صدرا.
- نراقی، احمد، ۱۳۸۹، معراج السعاده، چاپ هفتم، قم، وحدت بخش.